

امام زمان علیه السلام، وعده های الهی

پنجشنبه، ۱۲/ آذر/ ۱۳۷۷ ش

بسم الله الرحمن الرحيم
الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

۱ - جایگاه قم:

خدمت عزیزان در قم هستیم. خود قم شهر مقدسی است به دلیل روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام داریم که: خداوند حرمی دارد (مکه)، پیامبر حرمی دارد (مدینه)، ما اهل بیت حرمی داریم (قم). و در حدیثی داریم که «قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ» (بحار الأنوار/ ج ۵۷/ ص ۲۱۴) در روایات برای قم خیلی صحبتها هست. فاطمه معصومه علیها السلام در اینجاست که زیارتش ثواب دارد. مهمترین حوزه های علمیه شیعه در اینجاست. بزرگترین مراجع اینجا بوده و هستند، و نیمه شعبان را در محضر جوانها و نوجوانهایی قمی هستیم.

حدیث داریم: «لَوْ لَا الْقُمِّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ» (بحار الأنوار/ ج ۵۷/ ص ۲۱۷) اگر مردان علمی و تقوایی قم نبودند دین از بین می رفت. نمونه اش را برجسته بودن حوزه علمیه قم و وجود حضرت امام رحمته الله می توان شمرد. امام در نجف روی منبر گفت: من قمی هستم. نگفت من نجفی و عراقی هستم. یعنی امام بنیانگذار جمهوری اسلامی روی منبر نجف به قمی بودنش افتخار کرد.

روایاتی داریم مبنی بر اینکه: جمعی از یاران امام زمان علیه السلام از این منطقه هستند. شوخی نیست! حدود دوازده هزار طلبه از حدود چهل کشور می آیند در اینجا درس می خوانند و در جاهای مختلف دنیا پخش می شوند. افرادی از قم به بعضی از کشورها رفته اند که چند هزار نفر را به اسلام دعوت کرده اند. انقلاب ایران از قم شروع شد. صدور مکتب جعفری از قم، خیلی افتخار می کنیم که در این استان هستیم.

۲ - علم کافی نیست نبوت و امامت لازم است:

بحثمان در نیمه شعبان لابد باید در مورد امام زمان علیه السلام باشد. علم کافیست؟ نه، انسان وحی هم می خواهد، نبوت می خواهد، امامت هم می خواهد.

موضوع بحث ما: امام زمان علیه السلام:

علم چاله ها و خلاها را پر نکرده است. خطرات امروز که علم پیشرفت کرده از خطرات دیروز بیشتر است. کامپیوتر آمده اما درون دیسک های کامپیوتری چی هست؟ اتصال به اینترنت گاهی است اما مثل چاقو،

هم استفاده خوب از آن می شود و هم استفاده بد. اگر انسان دستش را در دست دین و اخلاق و تقوا نگذارد از تمام امکانات استفاده بد می کند. علم امروز وسیله ها را عوض کرده ولی هدفها را عوض نکرده است.

پس: علم کافی نیست، بشر به انبیاء و امام معصوم نیاز دارد. حرف ما این است. وسیله عوض شده. الاغ بوده شده ماشین، شده هواپیما، وسیله ها عوض شده اما نه هدفها عوض شده نه هوسها. شمع بود شد برق. ما یک کسی را می خواهیم که هدف را عوض کند.

پرسیدند: پیغمبر چه کرد؟ آن عرب خوب جواب داد. گفت: تا پیغمبر نیامده بود نگاهمان به پایینی ها بود. شب و شام و شراب! پول و پلو و پارتی! زر و زور و تزویر! پیغمبر که آمد همه اش نگاهمان رفت بالا: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ» (اسراء/ ۷۸) نماز ظهر کی است؟ وقتی خورشید از بالای سرت رد شد. نگاه می کردیم بینیم ظهر شده یا نه. افتخار می کردیم به بیشتر کشتن! اما پیغمبر آمد و گفت: «وَإِذَا الْمُؤَدَّةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر/ ۹ - ۸) بچه کوچولو دختر را چرا کشتید؟ چه برسد به انسانهای زیاد! دختر کشتن! دختر انسان است آن هم انسان کامل. چه کنیم هدفها عوض شود؟ اصولا دین چند تاست؟ سه تا: خوراک، پوشاک، و مسکن! گوشت و نخود و... بود حالا شده پیتزا و.... شکم شکم است، پرخوری پرخوری است. آن چیزی که بر اساس ارزش انسان است هدفها و هوسهاست. خیلی ها گلوله خورده اند. یک گلوله به هویدا خورد یک گلوله به مطهری. مطهری و هویدا سنّشان نزدیک هم بود.

آن چیزی که ارزش دارد این است که هدفها چیست؟ هوسها چیست؟ مطهری در راه دفاع از مکتب و هویدا در راه حمایت از آمریکا. در جبهه ما شهید می شدیم. صدامی ها هم کشته می شدند اما او برای حفظ صدام، ما برای حفظ وطن، آنها وطن اسلامی، چون اگر جمهوری اسلامی بود به ما حمله نمی کردند. عنایتی هم که روی ولایت فقیه است روی همین است. چون رئیس جمهور که همه کشورها دارند. اصلا امتیاز ما همین ولایت فقیه است و الا هر چه ما داریم آنها هم دارند. ما نماز جمعه داریم آنها هم دارند. فرق در اسکناس یک نخ است. آن نخ به اسکناس ارزش می دهد. و گرنه آن نخ ولایت را بکشی جمهوری خالی که... دنیا روی جمهوری حرف ندارد، می گوید: شما جمهوری باشید، روی اسلامیت حرف دارد.

ویلدورانت کتابهای زیادی نوشته می گوید: ما از نظر ماشین غنی تر شده ایم اما از نظر هدفها فقیرتر شده ایم. یعنی هر چه ماشین پیش می رود هدفها پایین تر می آید!

۳ - ایمان به منجی و برکات ایمان به امام مهدی (عج):

ایمان به حضرت مهدی (عج) برکاتی دارد: خوش بینی به آینده: بالاخره آینده بشر چه می شود؟ هی این کشور بمب خودش را آزمایش می کند. آن کشور انفجار خودش را آزمایش می کند. آن کشور هواپیمای خودش را آزمایش می کند. بالاخره آینده این مسابقه در تسلیحات چه می شود؟! ایمان به مهدی یعنی مواظب باش توجه داشته باش که آینده به دست ما است.

قرآن بارها فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/ ۳۳) توجه داشته باشید که: اسلام کره ی زمین را خواهد گرفت. آیا ایمان به اینکه: دنیا به سمت صلح می رود مال مسلمانهاست؟ نه، دینهای دیگر هم و حتی مکاتب دیگر هم غیر از دینهای آسمانی هم دینهای آسمانی مثل مسیحیت و یهودیت و هم آنهای که اصلاً دین ندارند (و مکتبی برای خودشان دارند.) خیلی از آنها می گویند: در آینده، جهان به سمت صلح می رود باید یک حکومت جهانی، عادلانه حاکم شود. منتها آنها اسم حضرت مهدی (عج) را نمی برند اما به اینکه: «بشریت به سمت یک حکومت می رود» معترفند. همینکه دور هم جمع می شوند و مثلاً می گویند: خاورمیانه، جواهر شوری سابق.

فرعون می گفت: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/ ۲۴) امروز آمریکا می خواهد بگوید: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» نه موسی (علیه السلام) گذاشت که فرعون بگوید: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»، و نه جمهوری اسلامی می گذارد آمریکا بگوید: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى». همینکه آمریکا می گوید: جهان دارد یک قطبی می شود. حرف می زند. باید از طرف خدا باشد و ولی خدا باشد ولی خدا باشد و قانون خدا باشد پس اصل منطق را قبول کرده اند. یعنی اصل اینکه: «بچه باید بمکد» حرفی ندارند. منتها یکی می گوید: پستانک و گولزنک، ما می گوئیم: نه خیر، پستان مادرش. پس در مکیدن حرفی نیست. در اینکه (جهان باید یک قدرت داشته باشد) حرفی نیست. منتها آمریکا می گوید: من باید آن یک قدرت باشم. (یک قطبی)، از اینها یک چیزی کشف می شود.

ما گاهی وقتها یک چیزی می بینیم یاد یک چیز دیگر می افتیم. مثل زدن یک وقتی، گفتند: وقتی دیدید ساندویچ فروشی زیاد می شود. از این کشف می کنیم که دیگر حوصله پختن نیست. وقتی دیدیم آبمیوه گیری زیاد شد کشف می کنیم که دیگر حوصله جویدن نیست. ما وقتی دیدیم در دنیا سازمان غیرمتعددها جمع میشوند. حرف حسابشان این است که بیااید: یکی شویم. در سازمان ملل جمع می شوند و می گویند: به یک چیزی گرم میشود. در تاریکی می گویند: بیایند برق درست کنیم. پس در اصل تهیه روشنایی اختلافی نیست.

زیر یک پرچم رفتن، فکرش در مغزها هست، ما می‌گوییم: قبول است. منتها کی؟ چی؟ همه بیاییم هوس آمریکا را تأمین کنیم! مگر بیل به کمر هوس خودمان خورده؟ خودمان هم هوس داریم. یک کسی دنبال یک آدمی می‌رفت (آن آدم اعدام شد.) به یکی از رفقایش گفتم: تو که با او رفیق بودی! چطور شد؟ گفت: من اول خیال می‌کردم حرفهای خوبی می‌زند، بعد دیدم او دنبال هوسش است. گفتم: اگر بناست دنبال هوس برم مگر بیل به کمرم خورده، خودم هم هوس دارم. اگر قرار است آدم دنبال هوسی برود دنبال هوس خودش برود. خودم هوس دارم بیایم بینم هوس تو چه است؟ مثل کسی که دزدی می‌کند برای رئیس کارخانه! کم فروشی برای آقای بازاری! من به مشتری کم بدهم برای اینکه اربابم پولدار بشود. من فدا شوم برای اینکه شاه حکومت کند. اصل اینکه باید دنیا به یک سو برود در افکار هست. یک نفر باید دنیا را صلاح کند. در یهودی‌ها هست. در مسیحی‌ها هم هست

۴ - رشد و تغییر نگرش‌ها در آستانه ظهور:

قرآن هم فرموده: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/ ۸۳) یعنی: دنیا در اختیار انسانهای با تقوا قرار خواهد گرفت. سؤال: آیا می‌شود یک مرد خدا حکومت کره زمین را بدست بگیرد؟ بله می‌شود. امام در ایران، حکومت را بدست گرفت. اصلاً می‌شود قانون خدا باشد؟ بله در ایران قانونها اسلامی است. اصلاً میشود در مقابل هواپیمای اف ۱۴ و اف ۱۶ ایستاد؟ بله امام دست خالی در مقابل اینها ایستاد. متخصصین خواهند کرد؟ در جمهوری اسلامی متخصصین آمدند خدمت امام و با ایشان بیعت کردند و تخصصشان را در اختیار امام قرار دارند. حدیث داریم: امام زمان علیه السلام که بیاید متخصصان شرق و غرب می‌آیند خدمت امام، دست آقا را می‌بوسند و می‌گویند: آقا! ما متخصصیم تخصصمان را در اختیار شما قرار می‌دهیم. می‌شود مردم رشد کنند؟ بله در جمهوری اسلامی مردم رشد کردند. می‌شود کمبودها جبران شود؟ بله خیلی کمبودها جبران شد. چون حدیث داریم: دکترهای ما هندی و پاکستانی بودند. الآن دیگر به لطف خدا در روستاهایمان هم پزشکان هستند.

همین بچه‌های کوچه و بازار جمع می‌شوند بسیج می‌شوند سپاه می‌شوند موشک درست می‌کنند و دنیا به وحشت می‌افتد. استعدادها شکوفا می‌شود. همه اینها می‌شود. انقلاب ما به ما گفت: همه کاری می‌شود. کار نشد ندارد.

یادم هست که هنوز انقلاب پیروز نشده بود، یک کسی به من رسید و گفت: حرف حساب شما چیست؟ گفتیم: امام می‌گوید: شاه باید برود. خندید و گفت: خیلی ساده‌اید! گفت: آدم مستأجرش را

نمی‌تواند از خانه‌اش بیرون کند شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ اصلاً می‌گفت محال است. حدیث داریم: امام زمان (عج) که آمد همه کراهی زمین می‌گویند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آیا می‌شود؟ در پادگانی که محل (جاوید شاه) بود. حالا شما صبح بیا و ببین، همه ایستند و می‌گویند: «اللَّهُمَّ كُنْ لِرَوْلِكَ الْحُجَّةَ الْحَسَنَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» آدم نگاه می‌کند! اینها جاوید شاه می‌گفتند! چطور شد؟ همه چیز عوض می‌شود. شما نگاه کن. درباغچه خاک گل می‌شود، این اداره‌ی خدا است. پیغمبر می‌رود در غار، تار عنکبوت حفظش می‌کند! آقا! این همه حرکتها و فلان و فلان! اینها چیزی نیست. خوشبینی به آینده: ظهور انبیاء بعد از سختی است.

قرآن می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» (آل عمران/ ۱۰۳) شما لب گودی آتش بودید پیغمبر آمد. امام زمان (عج) وقتی می‌آید که انسان... «بَعْدَ مَا مِلَّتُ ظُلُمًا وَ جَوْرًا» (الطرائف/ ج ۱/ ص ۱۷۷) بعد از آنکه زمین پر از ظلم و جور شد. خود پیغمبر هم همینطور است. لب دره آتش بودید و پیغمبر آمد شما را نجات داد. وقتی که کار به بن بست رسید جرقه‌ها زده می‌شود. پایان شب سیه سپید است. برقها در ظلمتها می‌جهد.

۵ - وعده‌های صادق و حمایت‌های الهی:

وعده‌ی خدا این است: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵) ما راجع به وعده خدا حرف داریم. خدا هم در آخرت وعده‌هایی داده و هم در دنیا.

وعده داده: خلافت کراهی زمین مال مؤمنین باشد. وعده‌ی خدا هم صادق است: «وَ كَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا» (کهف/ ۹۸) وعده‌های خدا حق است. خدا قول داده: «وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء/ ۱۲۲) چه کسی صادق‌تر از خداست؟ «وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» (حج/ ۴۷) خدا خلف وعده نمی‌کند. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/ ۵۱)

خدا وعده داده که: ما انبیاء را پیروز خواهیم کرد. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/ ۹) ما قرآن را فرستادیم و ما آنرا حفظ می‌کنیم. کمی از گذشته‌ها بگویم: پیغمبر آمد تک و تنها نماز خواند: الله اکبر، خدیجه هم (س) آمد پشت سرش نماز خواند. علی بن ابیطالب (علیه السلام) هم آمد و پشت سرش نماز خواند نماز جماعت سه نفره. اینقدر این سه نفر را (در مسجد الحرام) مسخره کردند: شکمبه شتر روی سر پیغمبر انداختند! بزرگترین توهین‌ها را به حضرت کردند ولی خدا به پیغمبر فرمود: نماز سه نفری خواندید همه مکه مسخره‌تان کردند. «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» (حجر/ ۹۵) ما به حساب‌شان می‌رسیم. به پیغمبر می‌فرماید تنهایی! نترس، «وَ

رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (انشریح / ۴) ما ذکر تو را بلند می‌کنیم. الآن ۵۰ تا رادیو اذان می‌گوید و در همه اذانها «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» گفته می‌شود.

یکی بود در زادگاه خودش مسخره می‌شد روبروی پیغمبر به او جسارت می‌کردند! می‌گفتند: «اِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر/۶) خُل، دیوانه، الآن یک سلمان رشدی آنطرف دنیا جسارت می‌کند، یک گردان آدم باید از جان او حفاظت کند. برای اینکه امام با یک خودکار می‌نویسد: سلمان رشدی باید اعدام گردد. به پیغمبر جسارت می‌کردند. دستش خالی بود الآن با یک نیش خودکار وحشت در دل همه می‌افتد.

به سلمان رشدی گفتند: بدترین حالت چه حالی بود؟ گفت: یکبار توی ماشین بودم ۳ - ۲ نفر دیدم و فکر کردم مسلمانند و می‌خواهند مرا ترور کنند. همینطور که روزنامه دستم بود آن را جلوی صورتم گرفتم و در ترافیک گیر کردم نیم ساعت بدترین حال من آن وقتی بود که لحظه‌ای احساس کردم می‌خواهند مرا بکشند، و این برای ما افتخار است، که سلمان رشدی در پناه کفر دارد می‌لرزد.

یک زمانی پیغمبر اسلام تنها بود. دیدید شد! «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشریح/ ۶) پیغمبر! با سختی‌ها آسانی است. دیدید شد! «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/ ۵۶). حزب الله غالب می‌شود. دیدید شد! وعده‌های خدا شدنی‌اند. یکی از وعده‌های این است که مهدی علیه السلام می‌آید.

۶ - مردم و غیبت و ظهور امام:

انتظار :

اول اینکه چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ جوابش را من در ساهای قبل گفته‌ام. یک عکسی در تلویزیون کشیده‌ام از یک چراغ، گفتم: اگر اداره برق آمد یک لامپی سر کوچه نصب کرد و بچه‌ها آن را شکستند. یک لامپ دیگر نصب کرد، باز هم شکستند، اگر یازده تا لامپ نصب کرد و باز شکستند اداره برق لامپ دوازدهمی را نصب نمی‌کند. می‌گوید: اینها هنوز آدم نشده‌اند. علی ابن ابیطالب را شکستند. امام حسن را شکستند و... اگر یازده تا چراغ هدایت را شکستند خدا دیگر چراغ دوازدهمی را وصل نمی‌کند، تا وقتی که مردم آدم شوند. کی آدم می‌شوند؟ باید تلخی دوازدهمی را بچشند. یعنی بفهمند.

آن کسی که می‌گوید: من پرچم آمریکا را می‌زنم روی کشتی و از اقیانوسها حرکت می‌کنم! این هنوز آدم نشده عوض اینکه: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/ ۴۹)، «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى پرچم آمریکا!!» این هنوز مخش کار نمی‌کند. آن کشوری که افتخار می‌کند به اینکه من به آمریکا پناهنده می‌شود،

حفظم می کند مخلصان کار نمی کند. نمی دانند که شاه ایران به ۹۸ کشور پناهنده شد و آخرش هیچکدام نتوانستند نجاتش بدهند باید بشر برسد.

و لذا حدیث داریم: هر ۳ - ۲ روزی یک حزب و باندی روی کار می آیند و می گویند: ما درست می کنیم. مردم می گویند: ببینم این چه می کند؟ بعد می بینند این هم کاری نکرد! می گوئیم برویم سراغ دیگری. یک خرده مردم باید از این قدرتها و ابر قدرتها مأیوس شوند.

یک پولدار در یک مجلس نشسته، کلی باید برایش دعا و... کنیم تا هزار تومان بدهد. خدایا پریشب یک کسی به من زنگ زد گفت: می خواهم همه اموالم را وقف کنم! عصبانی بود از زن و بچه اش، گفت: حیف کوفت که بدهم به اینها: و حال آنکه این آقا قربان زن و بچه اش می رفت! بچه هایش بزرگ شده اند و هر کدام یک جوری بر خورد می کنند، چنان دل سرد شده بود که می خواست خودش را آتش بزند.

به او گفتم که: حالا این کار را نکن چون عصبانی شده ای و.... و حال آنکه این آقا یکبار یک میلیون سهم امام داد چکش برگشت! یعنی یک میلیون برای امام زمان نمی داد ولی حالا حاضر شده صد میلیون بدهد. برای اینکه سرش به سنگ خورده. درست مثل مادری که می گوید: بچه جان غذای خوب پختم، بیا بخور، قربونت برم! بچه می گوید: برو بابا می روم غذای بیرون می خورم. می رود غذای بیرونی می خورد و مسموم می شود و برمی گردد غذای خانه را می خورد. یعنی باید برود غذای بیرون بخورد و مسموم شود بعد بر گردد خانه و دست مادرش را ببوسد. باید سر ما به سنگ بخورد.

۷ - آمادگی ظهور با سر خوردگی از احزاب و گروه ها:

یک زمانی ماعو بیاید پرچم را بدست گیرد، یک زمانی شوروی بدست گیرد، یک زمانی هم آمریکا، دلها یکروز به سمت شرق و یکروز به سمت غرب! تکیه گاهمان یکروز پول باشد....

قصه: نوح علیه السلام به پسرش فرمود: ایان بیاور سوار کشتی شو. خدا اراده کرده همه کفار غرق شوند. گفت: من غرق نمی شوم. نوح گفت: خدا، او گفت: کوه! «قَالَ سَآوِیْ اِلٰی جَبَلٍ یَّعِصْمُنِیْ مِنَ الْمَآءِ» (هود/۴۳). من می روم بالای کوه کوه مرا حفظ می کند تکیه گاه کوه بود. بعضی ها می میرند برای اینکه لیسانس که می شوند بیکارند! پدرش می گوید: حالا حضری به من کمک کنی؟ می گوید: خیلی خوب روزی ۲ ساعت می آیم: اول چنان پدرش را تحقیر می کرد! نجاری هم شغل است! کارگری! لیسانس می گیرد و می بیند میز نیست و بر می گردد! دکان نجاری. ما باید برویم بر گردیم.

طلبگی خودم همینطور شد. پدرم گفت: برو طلبه شو. من گفتم: می‌خواهم دکتر و مهندس شوم. گفت: برو. رفتم دبیرستان، با بچه‌های دبیرستان دعویان شد و کلی کتک خوردم! یادم است که ۱۷ نفر ریختند سر من و بقدری مرا زدند که سر و صورتم باد کرد. شب آمدم خانه، پدرم گفت: محسن! چرا چنین شدی؟ گفتم: من می‌خواهم بروم طلبه شوم. گفت: من که به تو گفتم.

پسر می‌گوید: این دختر پدرش فقیر است. من با او ازدواج نمی‌کنم! بابا جان این دختر کمال دارد چکار به فقر پدرش داری؟! بعد می‌رود سراغ یک دختر پولدار، همینکه می‌خواهد ازدواج کند می‌بیند پدر دختر ورشکست شد! به پدرش می‌گوید: شما یک کسی را می‌گفتی؟ بر می‌گردد همان دختر را می‌گیرد. کی زمان آمده می‌شود که مهدی علیه السلام را بپذیرد؟ حدیث داریم: زمانی که همه احزاب قدرت بدست گیرند مردم دنبال احزاب بروند. سرشان به سنگ بخورد... امام که امام بود سال ۴۲ قیام کرد و سال ۵۷ نتیجه گرفت. می‌دانید چرا؟ چون سال ۴۲ عده‌ای از ایرانی‌ها گفتند: امام خوب است. یک عده هنوز می‌گفتند: جاوید شاه! در این ۲۵ سال هر که را گرفتند، بردند ساواک و شکنجه دادند، کم کم مردم همه گفتند: مرگ بر شاه! آنوقت امام آمد. امام ۴۲ با امام ۵۷ فرقی نداشت. منتها مردم در سال ۴۲ آماده نبودند. باید مردم پخته شوند. امام زمان زمانی می‌آید که مردم بدانند هیچ حزب و قدرتی مردم را برای خودشان نمی‌خواهند.

۸ - شرایط انتظار منتظران مصلح:

هر کسی انتظاری دارد. یکی می‌گوید: کی می‌شود تا در کنکور قبول شوم؟ یکی می‌گوید: کی می‌شود تا قسط خانه‌ام تمام شود؟ یکی می‌گوید: کی می‌شود دخترانم عروس شوند؟ همه در انتظارند. منتها ارزش انتظار به آن چیزی است که منتظر آن هستیم. کسی که در انتظار هزار تومان است نرخش هزار تومان است. ما چی؟ در انتظار محو فقر هستیم. می‌شود؟ محو تبعیض، محو بی‌عدالتی‌ها، انتظار مهدی علیه السلام یعنی انتظار همه خوبی‌ها و انتظار محو همه بدی‌ها. مسأله انتظار ماشین و تلفن و کنکور و خانه و... نیست. انتظار مهدی علیه السلام خیلی مهم است. منتها انتظار زبانی نیست.

یا حجه ابن الحسن عجل علی ظهورک! خوب اگر امام زمان ظهور کند شما چه خواهید کرد؟! من بارها گفتم: کسانی که در انقلاب نقش نداشته‌اند از خدا بخواهند خدا اول به آنها نقش بدهد بعد دعای ندبه بخوانند. چون در دعای ندبه داریم: مهدی بیا، مهدی بیا. خیلی خوب مهدی بیاید چه کند؟ مهدی بیاید برای اینکه از حق مردم دفاع کند. خیلی خوب، صدام به ایران دفاع حق ماست. ۸ سال جنگ بود شما چقدر از حق دفاع کردید؟ در این حوض چقدر شنا کردی که حالا می‌گویی: اقیانوس اطلس، اقیانوس اطلس!

آن کسانی که در انقلاب هیچ نقشی نداشتند اصلاً رویشان نمی‌شود که بگویند: مهدی بیا. برای اینکه بچه‌اش آمد و کاری نکردند. یکبار گفتم که: خیلی‌ها گریه می‌کنند که چرا فدک را از فاطمه گرفتند! خودش هم سهم امام نمی‌دهد؟! چه فرقی می‌کند؟ سهم امام مال حضرت مهدی است فدک مال مادرش. این ۲ لیتر گریه میکند که چرا حق او را ندادند خودش هم حق فرزندش را نمی‌دهد! آدم می‌ترسد دروغ بگوید. قرآن می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات/ ۱۵) این راست می‌گوید. قرائتی! شما چند سالی بروید به یکی از روستاهای آفریقا. و... معلوم نیست من گوش به حرف امام زمان بدهم. علت اینکه من دم از آقا می‌زنم این است که الآن سرازیری است، در سرازیری هر بشکه‌ای بنز است! در سرازیری هر بی دینی دیندار است. ماشین سالم در گردنه‌ها پیدا می‌شود.

انتظار زبانی نیست عملی است. انتظار مصلح را کسی باید بکشد که خودش هم باید صالح باشد. کسی که منتظر است باید حرکت کند.

مثلاً: ما شب منتظر هستیم خورشید بتابد. اما در تاریکی نمی‌نشینیم و یک لامپ روشن می‌کنیم. انتظار خورشید به معنای در تاریکی نشستن نیست. به طرف می‌گویی شما چرا تکان نمی‌خورید؟ می‌گوید: امام زمان خودش می‌آید و درست میکند!! آن کسانی که از این قبیل حرف‌ها می‌زنند که مثلشان مثل کسانی است که در تاریکی می‌نشینند و منتظر خورشیدند.

۹ - فلسفه غیبت امام و پاسخ به شبهات:

در غیاب آن حضرت چه می‌کنیم؟ الآن امام زمان علیه السلام نقشش چه است؟ گاهی صلاح معلم در این است که موقتاً از کلاس بیرون برود. چون تا سر کلاس است بچه‌ها خوب شناخته نمی‌شوند. باید دید در غیاب معلم چه می‌کنند و از بیرون آنها را کنترل کرد. اصلاً پلیس را بر می‌داریم و بینیم مردم خودشان چگونه رانندگی می‌کنند؟ والا سر چهار راه ترمز کردی از ترس جریمه است. اینکه هنر نیست. باید بینیم چقدر قانونمند شده‌ایم. قانون در نهاد تو رفته یا از ترس پلیس قانون را رعایت می‌کنی؟ پس غیبت ضرورت دارد و این غیبت را امامان یکی یکی تمرین می‌دادند.

پرسیدند: چرا وقتی اسم زمان را می‌برند پا می‌شویم و می‌ایستیم؟ برای اینکه این تمرین باشد برای قیام. یعنی باید باشیم. امام زمان که بیاید با ۳۱۳ نفر می‌آید. البته یار خیلی دارد ۳۱۳ تا مدیرند. از این هم معلوم می‌شود که زمین را می‌شود با ۳۱۳ نفر اداره کرد. یک آدم به درد بخور یک کشور را اداره می‌کند. یاران

اصلی حضرت ۳۱۳ نفرند بعد بقیه ملحق می‌شوند. از این ۳۱۳ نفر ۵۰ نفرشان از خانمها هستند و زمانی امام زمان می‌آید که زنان خانه دار می‌توانند بفهمند که حق با کی است. یعنی قدرت انتخاب و قضاوت دارند. آیا در زمان غیبت تکلیف هست یا نه؟ من می‌خواهم کاری کنم که شما بتوانید در یک دقیقه راجع به ولایت فقیه صحبت کنید. زمانی که امام زمان غایب است تکلیف است یا نه؟ تکلیف هست. تکلیف که هست باید برنامه هم باشد. باید یک کسی که شباهتش به امام زمان بیشتر است، صفاتش به صفات امام زمان می‌خورد...

قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر/ ۵ - ۱) شب قدر فرشته‌ها می‌آیند زمین، کجا می‌روند؟ زمان پیغمبر خانه پیغمبر می‌رفتند. بعد از پیغمبر خانه کی می‌روند؟ به خانه صدام!!؟ پس شب قدر مال زمان پیغمبر نیست. هر سال یک شب قدر دارد. الآن هم فرشته‌ها خانه کسی می‌روند که صفات پیغمبر را داشته باشد. در زمان غیبت تکلیف هست و باید رهبری دست کسانی باشد که پرتوی از صفات حضرت مهدی عج را دارا باشد. ولایت فقیه همین است. حضرت امام پرتویی از صفات حضرت را داشت. ولایت فقیه هم یک مسأله تشکیلاتی است نه تشریفاتی که دستش را ببوسیم و عکسش را در اتاق نصب کنیم. یعنی باید در اجرا باشد. نیمه شعبان بر همه مبارک باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته